

جهانگیر کوثری معتقد است مهم‌ترین دلیلی که ساخت فیلم‌های ورزشی در سینمای ایران موفقیت‌آمیز نبوده است، به تفاوت تماشاگران ورزش و سینما برمی‌گردد. به گزارش اسپندا، در روزهای گذشته به برپانه نزدیک بودن شروع مسابقات جام جهانی فوتبال، از فیلم‌های سینمایی زیادی یاد شده که در سینمای جهان و نیز ایران با محوریت این رشته ورزشی یا یکی از نام‌وران آن ساخته شده‌اند. «فوتبالیست‌ها» به کارگردانی علی‌اکبر ثقفی با بازی علی پروین و حمید استیلی، مستند «من ناصر حجازی هستم…» نیما طباطبایی، «فساید» جعفر پناهی، «عرق سرد» سهیل بیری و «زپاس» بروز نیک‌زاد از معروف‌ترین فیلم‌های فوتبالی در سینمای ایران هستند اما با این حال بیشتر آثار ساخته شده، آنچنان که باید در ذهن مخاطبان علاقه‌مند به فوتبال باقی نمانده‌اند.

در این زمینه جهانگیر کوثری که تهیه‌کننده سینما است و سابقه بازی در تیم‌های فوتبالی، گزارشگری و روزنامه‌نگاری ورزشی را هم داشته، در گفت‌وویی با ایسنا دلایلی را برای موفق نبودن این نوع فیلم‌ها برشمرد. او تأکید کرد که اطلاعاتش براساس رصد دقیقی است که از سال‌ها قبل در این خصوص انجام داده و هنوز هم آن را ادامه می‌دهد.

کوثری در پاسخ به اینکه چرا در سینمای ایران فیلم‌های ماندگار ورزشی و به طور مشخص فوتبالی ساخته نشده است، بیان کرد: از منظر جامعه‌شناسی، «ورزش» یک تعریف مشخص دارد که آن هم به جوهره‌ی تاریگی، به‌روز زنده بودن آن می‌شود و این اصلی‌ترین دلیلی است که سوزه‌های ورزشی نمی‌توانند در سینما موفق باشند و مخاطب خود را به دست آورند. در تاریخ سینما تمام فیلم‌های ورزشی حتی آن‌هایی که در هالیوود ساخته شدند موفقیتی نداشتند. «جان هیوستون» با دور هم جمع کردن ستاره‌های فوتبال مثل «پله» و «بابی مور» و در کنار آن‌ها «مایکل کین» و «سیلوستر استالونه» که مهره‌های سینمایی پرفروشی بودند فیلم «فرار به سوی پیروزی» را ساخت اما موفق نبود؛ یعنی انطور که انتظار داشت فیلمش غوغا کند، کاری نکرد.

او با اشاره به فیلم‌هایی مثل «گاو خشمگین» اسکورسیزی

جهانگیر کوثری:

فوتبال در سینما اصلا در نمی‌آید



و «راکی» ادامه داد:کمپانی‌های بزرگ فیلمسازی هم به این نتیجه رسیدند که فیلم‌های ورزشی جواب نمی‌دهند چون طرفداران ورزش با طرفداران سینما متفاوت هستند، آن‌ها می‌خواهند همه چیز را زنده ببینند. در جام جهانی آلمان در دهه ۷۰ میلادی بازی‌ها در سینماها پخش می‌شد تا مردم مستقیم ببینند اما بعد که از همان‌جا فیلم ساخته شد تعداد بسیار کمی برای تماشا رفتند چرا که دیگر برایشان تازگی نداشت. هيجان فوتبال از نظر روانی در همان لحظه قشنگ است و این مسئله در رشته‌های ورزشی دیگر هم وجود دارد. کوثری افزود: چند دهه قبل در یک دوره از بازی‌های المپیک، ۱۱ کارگردان بزرگ جهان را آوردند تا هر کدام یک رشته ورزشی را مستند کنند مثل «جان شلزینجر» مرد که در رشته ماراتن مشغول شد و بعدها فیلم «مرد دوند» را کارگردانی کرد ولی هیچ کدام از آن فیلم‌ها که در رشته‌های مختلف مثل وزنه‌برداری و دو میدانی هم ساخته شدند موفق نبودند.

این تهیه‌کننده سینما به تولیدات داخلی هم اشاره کرد و گفت: در ایران خودمان سوزه‌های ورزشی بویژه

چرا بازیگر «شب دهم» و «شهرزاد»، «آزادی مشروط» را پذیرفت؟

هستمث ولی با این حال سعی کردم به گونه ای از لجه استفاده کنم که تصنیی به نظر نیاید. در سریال «اگه پیام زنده بود» هم لجه کردی داشتم و نقشم را واقعا دوست داشتم.

مردم جدی بودندن را بیشتر دوست دارند
بازیگر سریال‌های «شب دهم»، «گل‌های گرمسیری»، «مرد هزار چهره»، «یوسف پیامبر(ع)» و «خانه امن» به این پرسش که مردم بیشتر شما را در کاراکترهای جدی مثل قاضی، وکیل و بعضا نقش‌های منفی دیده اند، خودتان بیشتر طنز را ترجیح می‌دهید یا نقش‌های جدی؟
«سودا» که آن هم در ژانر داد: همیشه گفته ام یک بازیگر باید بتواند ژانرهای مختلفی را بازی کند تا بتواند مانسور بدهد و خودش را تست بزند، ولی به نظر هر بازیگری در یک ژانر همیشه قوی تر است. من در سال‌های فعالیت بیشتر ام، در کل چهار کار کمدی داشتم؛ «مرد هزار چهره» آقای مهران مدیری که کمدی موقعیت بود. سریال «اگه پیام زنده بود»، فیلم سینمایی «سودا» که آن هم در ژانر طنز ساخته شد و سریال «آزادی مشروط».

فلاچی پور به ایفای نقش یاور در سریال «شب دهم» اشاره کرد و گفت: خودم فکر می‌کنم مردم سریال «شب دهم» را که به یک کار درام بود خیلی دوست داشتند، چون هم قسمت‌ها را ندیده ام ولی در کل با تکرار موقع تکرار می‌شود که شاید در بخش درست ساخته شده بودند. سریال «شهرزاد» هم که ایفاگر نقشی منفی بودم باز هم مردم خیلی دوست داشتند و به نظرم کار متفاوتی بود. یک بازیگر در کاری موفق تر است که مردم دوستش داشته باشند و من فکر می‌کنم مردم کار‌های جدی ام را بیشتر دوست داشتند.

کار با مسعود ده نمکی راحت نیست
این بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون سپس

در همه جای دنیا، دولت‌ها حامی فیلم کوتاه هستند

دیگر دارم و در فستیوال‌های مختلف با فیلمسازان خارجی صحبت کردم به این نتیجه رسیدم‌ه که فیلمسازی در ایران از جهاتی خیلی راحت‌تر است. در کشورهای خارجی هر خیابانی که بایند فیلمبرداری در آن انجام شود، مستلزم پرداخت هزینه است یا از نهادهای کوچک بودجه‌های اندکی جمع‌آوری می‌کردند تا فیلم بسازند و این در حالی است که در کشور ما انجمن سینمای جوان و چند نهاد دیگر وجود دارد که مستقیماً از ساخت فیلم کوتاه حمایت می‌کنند و با مجوز ناجی هنر می‌توانید در لوکیشن‌های مختلف بدون پرداخت هزینه فیلمبرداری کنید. به همین دلیل ساخت فیلم کوتاه در ایران با دیگر کشورها شرایط متفاوت‌تری دارد. وی افزود: در بحث هم مسائل متفاوتی وجود دارد، فیلمسازان فیلم کوتاه پیش از شیوع کرونا مخالف اکران آنلاین فیلم‌ها بودند چرا که اکران آنلاین خطر پیش شدن فیلم را به همراه داشت اما پس از کرونا باالاجار اکران آنلاین را پذیرفتند چرا که امکان نمایش دیگری وجود نداشت.

برای من به شخصه اکران آنلاین این مزیت را داشت که دامنه مخاطبان فیلم بسیار گسترده‌تر شد، یعنی اگر در یک فستیوال

می‌شود و جذابیت دارد، بخاطر درام‌های سینمایی است که در آن گنجانده می‌شود و در میان فیلم‌های ورزشی بیشتر به استثنا تبدیل شده است. حتی فیلم مستندی از «امیر کاستاریکا» ساخته شد که درباره مارادونا بود ولی با وجود مستند بودن، استقبال کافی از آن نشد.

وی تأکید کرد: این مثال‌ها همه بررسی شده و در تمام سال‌هایی که به نحوی در ورزش فعالیت می‌کردم به دنبال این بودم که یک فیلم ورزشی خوب در سینما بسازم، به همین دلیل تحقیق کردم و متوجه شدم مردم چندان علاقه‌ای به این فیلم‌ها ندارند. این در حالی است که سینما هنری است که فیلم‌های چارلی چاپلین را هم اگر الان بگذارند که تماشا کنید، حرف و پیام دارد و لذت بخش است. از همین منظر است که در جامعه شناسی تعریف‌های جداگانه‌ای برای مخاطب ورزش و سینما در نظر گرفته می‌شود و طبق همان، تقریباً هر چه فیلم در سینما از حوزه ورزش ساخته شده در جذب مخاطب حاکثری ناموفق بوده است.

کوثری درباره جشنواره‌ای با نام فیلم‌های ورزشی و اثرگذاری آن گفت: من در این جشنواره سال‌ها داور بودم یا در جایگاهی دیگر در برگزاری کمک کردم ولی فیلم‌های این جشنواره تماشاگران زیادی ندارد. او در پایان با اشاره به استقبال کم از فیلم در حال اکران «پسرو» که با پرداختن به مقطعی از زندگی علیرضا بیرونند - دروازه‌بان تیم ملی فوتبال - ساخته شده، به «عرق سرد» سهیل بیریقی نیز اشاره کرد و گفت: این فیلم هم موضوعی درباره فوتبال دارد و خوش ساخت بود ولی پیام سیاسی و اجتماعی آن درباره زن‌ها که یک معضل اجتماعی را مطرح می‌کرد بیشتر مورد توجه قرار گرفت و از این منظر می‌توان آن را موفق دانست.
درواقع باید گفت که فوتبال در سینما اصلا در نمی‌آید؛ یک زمین بزرگ و ۲۲ نفر بازیکن و کلی هیجان در تماشای زنده، چطور باید در دوربین سینما دربیاید که به مردم بچسبد؟! مردم فوتبال را جور دیگری می‌بینند. فوتبال برای آن‌ها دیدن مسابقه با دوربین‌های زیاد و حتی حرکت اسلوموشن است، این‌ها برای تماشاگر ورزشی جذابیت دارد که در لحظه همه چیز را می‌بینند و وقتی آن لحظه می‌گذرد آن جذابیت اولیه هم از بین می‌رود.



کمدی است و خیلی از کمدین‌های معروف از این روش استفاده می‌کنند فلاچی پور سپس با اشاره به دشواری‌های ساخت این سریال در ایام کرونا هم گفت: خود من در طول کار یک بار به کرونا مبتلا شدم. آن زمان هم می‌ترسیدند به خصوص که ما در محیط‌های بیمارستانی خیلی حضور داشتیم، یعنی چیزی حدود ۴۰ روز در بیمارستان‌ها کار کردیم و خیلی برایمان خطرناک بود. از سویی دیگر پروژه «آزادی مشروط» کار شلوغی بود. هنرور زیاد داشت و کنترل کردن این همه آدم واقعا مشکل بود اما در نهایت به خداوند توکل کردیم و کار را پیش بردیم. آن شانالله که کار خوبی شده باشد و مردم دوست داشته باشند.

نمی‌تواند نرملی باشد

«آزادی مشروط» بدهم

این بازیگر در پاسخ به اینکه چه نمره‌ای «آزادی مشروط» می‌دهید؟
خاطر نشان کرد: بالای ۵۰ نمره می‌دهم اما نمره خیلی عالی هم نمی‌دهم چون یکسری فاکتورها را واقعا ندارد؛ یعنی اینکه می‌توانست به لحاظ دکوپاژ و فیلمبرداری شسته و رفته تر باشد اما طبیعتاً زمان بیشتری می‌برد. اگر بخواهید تک دوربین کار کنید «آزادی مشروط» سریال تلویزیونی بالای ۷ الی ۶ ماه زمان می‌برد و کار دشواری است چون سریال «بی نشان» اینطور ساخته شد و ما چیزی

اخبار کوتاه

جایزه ادبیات غیر داستانی برای نویسنده مطرح کتاب کودک



جایزه ادبیات غیرداستان «بیلی جیفورد» به «کاترین راندل» نویسنده مطرح حوزه کودک و نوجوان اهدا شد. به گزارش ایسنا و به نقل از گاردین، هیات داوران جایزه ادبی «بیلی جیفورد» را «کاترین راندل» را برای نگارش کتابی درباره «جان دان» شاعر انگلیسی به عنوان برنده جایزه ۵۰۰۰۰ پوندی مختص کتاب‌های غیرداستانی معرفی کردند. «راندل» که بیشتر برای نگارش رمان‌های حوزه کودک و نوجوان شناخته می‌شود، اعلام کرده است نگارش کتاب «فرا بی‌نهایت: تغییرات جان دان» ۱۰ سال زمان برده است. «راندل» در این کتاب به زندگی «جان دان» پرداخته است که علاوه بر شاعر، به عنوان وکیل، دریانورد و کشیش نیز فعالیت داشته است. این نویسنده حین دریافت فیلم اعلام کرد،مبلغ نقدی آن را بین خیریه‌های امور پناهجویان و خیریه‌های فعال در حوزه مقابله با تغییرات اقلیمی تقسیم خواهد کرد. «راندل» پیش‌تر در سالل ۲۰۱۳ برای نگارش کتاب «پام‌نشینان» برنده جایزه کتاب کودک «واترستونز» شد و برای رمان «جست‌وجوگر» نیز به عنوان برگزیده کتاب کودک کاستا انتخاب شد. «میراث خشونت: تاریخچه‌ای از امپراتوری بریتانیا» نوشته «کارولین الکنس»، « در چهارمین‌بار، عرق شدید» نوشته «سالی هیدن»، «جمهوری بی‌قرار: بریتانیا بدون تاج» نوشته «آنا کی»، «زن خوش‌اقبال: داستان یک پرنک روستا» نوشته «پولی مولند» و «هنرمند فرار» نوشته «جانتان فریدلنده» از دیگر شانس‌های کسب جایزه «بیلی جیفورد» امسال بودند. سال گذشته جایزه ادبی «بیلی جیفورد» به «پاتریک رانن کیف» برای کتاب «مهرانوری درد» رسید. جایزه ۵۰ هزار پوندی «بیلی جیفورد» که معتبرترین جایزه ادبی بریتانیا برای آثار غیرداستانی محسوب می‌شود، کتاب‌هایی با تمام موضوعات غیرداستانی، از تاریخ و طبیعت گرفته تا زندگی‌نامه و خاطرات را دربرمی‌گیرد و تا چند سال پیش با نام «ساموئل جانسون» شناخته می‌شد. این جایزه مختص کتاب‌های انگلیسی‌زبان به قلم نویسندگان سراسر بریتانیا است که درباره موضوعاتی مانند تاریخ، سیاست، علم، مسائل روز، ورزش، سفر، زندگی‌نامه و هنر به نگارش درآمده‌اند.

کشف یک فلوت کمیاب



از یک محوطه باستان‌شناسی ۶۱ هکتاری بودند بقایایی از چند گودال و شش‌اهدی از سفالگری در اواسط و اواخر عصر برنز تا دوران رومی کشف کردند. علاوه بر این باستان‌شناسان حین جست‌وجو در این محوطه به بقایایی از یک بنا دست یافتند که گمان می‌رود به قرون وسطی متعلق باشد. کاوش در این بخش نیز به کشف نوعی فلوت کمیاب منجر شده که با تراشیدن استخوان ساخته شده است و امروزه در دسته فلوت‌های «فیپل» قرار می‌گیرد. این فلوت کاملاً ماهرانه و با تراشیدن استخوان درشت‌تی گوسفند یا بز ساخته شده است. سازنده این فلوت، پنج حفره در بالای آن و یک حفره در پایین این فلوت ایجاد کرده است. کارشناسان معتقدند بخشی از فلوت که برای دمیدن مورد استفاده قرار می‌گیرد از بین رفته است، اما بدون در نظر گرفتن این مسأله، فلوت استخوانی که در این محل کشف شده است اثر تاریخی سالم محسوب می‌شود. سفال‌هایی که در نزدیکی محل کشف این فلوت پیدا شده است به حوالی قرن دوازدهم تا پانزدهم میلادی تعلق دارند و می‌توان نتیجه گرفت قدمت فلوت نیز به همین دوران بازمی‌گردد. فلوت مشابهی نیز پیش‌تر در سال ۱۹۶۴ در شهرستان «سامرست» انگلستان کشف شده بود.

قانون گریبان مهاجمان به شاهکارهای هنری را گرفت



چندی پیش گروهی از فعالان حوزه محیط زیست به یکی از شاهکارهای «رونس» در

آلمان حمله کرده بودند و اکنون اقدامات قانونی علیه

این معترضان گرفته است. به گزارش ایسنا و به

نقل از آرنت‌نیوز، در ماه اوت

گروهی از فعالان محیط زیستی دستان خود را با چسب به قاب «قتل‌عام بی‌گناهان» نقاشی «پیتربل پرونس» در موزه «آلته پیناکوتک» واقع در مونیخ چسباندند و بودند و اکنون یک دادگاه در مونیخ حکم کفیری علیه این دو فعال صادر کرده است. حکم صادرشده مشخص نیست اما در بیانه‌های اعلام شده است که حکم صادرشده در این خصوص موثر و قابل توجه است. براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، اعتراض ماه اوت در موزه مونیخی حدود ۱۱۰۰۰ یورو خسارت به بار آورده است. افرادی که در این اعتراض نمادین نقش داشتند از اعضای گروه آلمانی «آخرین نسل» محسوب می‌شوند. سایر اعضای این گروه اقدام مشابهی را با استفاده از یکی از نقاشی‌های «افائل» انجام داده بودند. گروه‌های محیط‌زیستی مشابهی نیز در هفته‌های اخیر به تابلوهای نقاشی هنرمندان مشهور حمله کرده‌اند. این گروه از افراد، در جدیدترین اقدام به نقاشی «مرگ و زندگی» اثر «گوستاو کلیمت» نقاش برجسته اتریشی حمله کردند و روی آن رنگ سیاه روغنی ریختند.

در معترضن روزی یکی از نقاشی‌های «امیلی کار» نقاش کاندایی که در «گالری هنر ونکوور» نگهداری می‌شود، شیره درخت افرا ریختند و دست‌هایشان را با چسب دیوار چسباندند. «جین» اثر «دوارد مونک» که در «موزه ملی نروژ» واقع در «اسلو» نگهداری می‌شود، چندی پیش هدف حمله معترضان نیز قرار گرفته بود. مجموعه تابلوهای مشهور «قوطی‌های سوپ کمبل» اثر «اندی وارهول» هنرمند نامدار آمریکایی که در «گالری ملی استرالیا» نگهداری می‌شود نیز توسط معترضان محیط‌زیستی خط‌خطی شده بود. پیش‌تر دو فعال حوزه محیط زیست دستانشان را به قاب دو تابلو نقاشی اثر «فرانسس گویا» که در موزه «پرادو» نگهداری می‌شود، با چسب چسباندند. همچنین گروهی دیگر از فعالان روی شاهکار «ون‌گوگ» سوپ نخودفرنگی ریختند. «دختری با گوشواره موارید»، شاهکار عصر طلایی «یوهانس ورمیر» در «موزه مائریتشویس» واقع در «لااه» و نقاشی گران‌قیمت «کومه‌ها» اثر «کلود مونه» نیز هدف معترضان قرار گرفته بودند. حتی «آفتاب‌گردان‌های» مشهور «ون‌گوگ» نیز در امان نماندند و دن زن با حمله به تابلوی گران‌قیمت «گل‌های آفتاب‌گردان» روی آن سوپ گوجه فرنگی ریختند.

حراج نقاشی رمان پر فروش کودکان

یکی از نقاشی‌های اصلی رمان «باد در درختان بید» که به تازگی کشف شده است در یک حراجی به فروش خواهد رسید. به گزارش ایسنا و به نقل از گاردین، یکی از نقاشی‌هایی که توسط «پی. اچ. شپرد» تصویرگر انگلیسی برای رمان «باد در درختان بید» خلق شده و اخیراً در یک خانه روستایی کشف شده است به‌زودی در یک حراجی به فروش گذاشته می‌شود. «شپرد» این نقاشی را با استفاده از مداد و جوهر طراحی کرده است و در آن «آقای تاد» حین پایین آمدن از پله‌ها و سه نفر از شخصیت‌های داستان در پایین پلکان به تصویر کشیده شده است. تصویرگر این نقاشی در حاشیه‌های آن دستورالعمل و توصیه‌هایی در برای چاپ‌گر کتاب نوشته است. این نقاشی به مدت ۶۹ سال در مجموعه خصوصی مالک کنونی آن نگهداری شده است و اخیراً در حالی کشف شد که در دیوار یک خانه روستایی آویخته شده بود. این نقاشی در هفتم دسامبر در «بازرش تخمینی ۸۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ پوند به مزایده گذاشته می‌شود. «کت راهام» نویسنده «باد در درختان بید» در سال ۱۹۲۱ از «شپرد» خواست که این رمان تصویرگری کند. در سال ۲۰۱۸، یکی از طراحی‌های مربوط به داستان «یو خرسه» که توسط «پی. اچ. شپرد» خلق شده است به قیمت ۴۲۰۰۰۰ پوند فروخته شد و رکورد جدیدی را در فروش نقاشی یک کتاب به ثبت رساند.